

نشست خبری رافائل گروسی



محمد فارضادی

در پی تصویب قطعنامه‌ای علیه ایران، صبح امروز نشست خبری با حضور رافائل گروسی، مدیرکل آژانس انرژی اتمی برگزار شد تا به سوالات خبرنگاران در این زمینه پاسخ داده شود.

بعد از ۲۰ دقیقه تأخیر، گروسی که مشغول هیره و ایضاً کزه شدید با یکی از همراهانش بود وارد سالن شد و با دیدن خبرنگاران خنده خود را جمع کرد و در محل پاسخگویی حاضر شد.

گروسی ضمن خوشامدگویی به حضار از خبرنگاران خواست هرکدام به پرسیدن یک سؤال ساده و ترجیحاً از لیست رسمی سوالات پیشنهادی بسنده کنند و از چانه زدن جدا پرهیز نمایند، چرا که مانع کسب می‌باشد.

اولین خبرنگار از گروسی پرسید: «دلیل اصلی تصویب این قطعنامه چیست؟» گروسی در پاسخ عنوان کرد: «بازرسان آژانس در بازدید خود از سه مکان مشکوک در ایران، از جمله منطقه تورقوزآباد هیچ تأسیسات هسته‌ای یا حتی مواد هسته‌ای کشف نکردند که این موضوع باعث شد شک‌مان به ایران بیشتر شود. هرچه هم از ایران پرسیدیم پس هسته‌ای هاتون کو؟ آنها خنده‌شان می‌گرفت.» خبرنگار مذکور مجدداً گفت: «خب حتماً در آنجا چیزی نبوده که بازرسان پیدا نکردند!» اما گروسی این حرف را مصداق بارز چانه‌زدن دانست و از نیروهای انتظامات خواست وی را به بیرون از سالن منتقل کنند.

خبرنگار بعدی که نوبتش بود نیز گفت: «خب حتماً در آنجا چیزی نبوده که بازرسان پیدا نکردند!» گروسی با نگاهی سرد پاسخ داد: «چرا! خیلی هم بوده. همین چندسال پیش نتانیاها در مجمع عمومی کلی مستندات ارائه داد که وجود تأسیسات هسته‌ای در تورقوزآباد را تأیید می‌کرد.» خبرنگار با تعجب پرسید: «یعنی اون‌ها مستندات بود؟ ما فکر کردیم نتانیاها نقاشی‌های نوه‌اش رو نشون می‌ده.» این خبرنگار نیز به بیرون منتقل شد.

خبرنگار بعدی با اشاره به صحبت‌های گروسی از وی پرسید: «آیا تصویب این قطعنامه با سفر اخیر شما به اسرائیل مرتبط است و فشارهای اسرائیل پشت این ماجرا است؟» گروسی گفت: «خیر!» خبرنگار مجدداً پرسید: «می‌شه بیشتر توضیح بدید؟» گروسی این بار به جای درخواست از نیروهای انتظامات، چیزی در گوش محافظ شخصی اش گفت و محافظ، خبرنگار مذکور را از یک در متفاوت به بیرون منتقل کرد.

در این لحظه یک گروه از دیپلمات‌های عربستان سعودی همراه با موسیقی عربی وارد سالن شدند و به توزیع شیرینی بین حضار پرداختند. گروسی، توضیح داد که این دیپلمات‌های سعودی از روز تصویب قطعنامه همینجور با رقص و پایکوبی در ساختمان آژانس برای خودشان می‌چرخند و شیرینی تعارف می‌کنند و معلوم هم نیست کی تمام می‌شود. با خروج دیپلمات‌های سعودی از سالن، خبرنگارانی که دیگر سؤال خاصی برای پرسیدن نداشتند، خارج شدند و فقط یک خبرنگار باقی ماند.

خبرنگار باقی‌مانده پرسید: «حالا خواسته‌های شما از ایران چیست؟» گروسی پاسخ داد: «والا ما چیز زیادی نمی‌خواهیم. اول از همه ایران باید بپذیرد که دوربین‌های آژانس در سراسر مملکت‌شان نصب شود و همچنین وسط روز هم مقابل دوربین‌های ما در تأسیسات هسته‌ای کمی برنامه‌های نمایشی و کم‌دی برگزار کنند، زیرا آن قدر در مراکز هسته‌ای ایران اتفاق خاصی نمی‌افتد که ما از دیدن تصاویر دوربین‌های مراکز هسته‌ای خسته می‌شویم. در ضمن ایران باید اسم و آدرس و شماره تلفن دقیق تمام کارکنان صنعت هسته‌ای را به ما بدهد و این قدر بی‌اعتماد نباشد. شاید ما خواستیم در مناسبت‌ها برای این کارکنان هدیه بفرستیم. در آخر هم اگر واقعاً در تورقوزآباد مرکز هسته‌ای مخفیانه وجود ندارد، ایران باید یکی بسازد که حرف ما دروغ از آب درنیاید.»

در پایان وقتی گروسی دید خبرنگار دیگری باقی نمانده، خبرنگار آخر را هم همراه با اینجانب به بیرون از سالن منتقل کرد و در راست.

بی طرفی از که آموختی؟ از آژانس!



کار نویسنده: سیمین محمدنواد طاهری

کابوس سگی



فرشته پناهی

(مرد) برخیز عصای پیری ام، برخیز عزیزم!
(زن) - شرمند من هم مثل تو پیر و مریض

خم کرده پیری قامتت را، آخ مادرا!
- اصلاً ندارم جان که از جا بر بیخیزم

باید دلبوی سی بسازم پشت تختم
- اصلاً!..... تو می دانی که وسواس و تمیزم

- راهش ایزی لایف است یا کلفت گرفتن
پولم کجا بوده، غلامم یا کنیزم!!

فکر زمستان را نمی‌کردم اساساً
چون فکر می‌کردم همیشه تند و تیزم

حالا زمستان است و من افتاده از پا
چشم انتظار برای ای ناچیز و ریزم

از بس که نان خشک مانده سق زدم حال
در حسرت یک قرمه سبزی لذیذم

هی پرواندم جای بچه، توله سگ
حالا ببین رفته کپیده زیر میزم

تا پاچه‌ام سالم بماند از گذشت
افتان و خیزان دائم از او می‌گریزم

همسایه‌مان را بچه‌اش می‌کند جمع
پس من چه خاکی همسرم بر سر بریزم؟

ای کاش برگردم به ایام جوانی
گریک دو جین بچه نیارم سخت چیزم!

«کابوس دیدی مرد پاشو لنگ ظهر است»
صد شکر بانو کرد یکهو سورپریزم!

- خط تیره‌ها از زبان زن است.

یک کلاغ چهل کلاغ



فیروز کوهیانی

می‌گویند: مردم مهران، دهلران و ایلام هفته آینده را عید نوروز اعلام کرده و به تعطیلات نوروزی رفتند چرا که به خاطر توده پر قدرت گرد و خاک مجبور شدند دوباره خانه‌هایشان را خانه نکانی کنند.

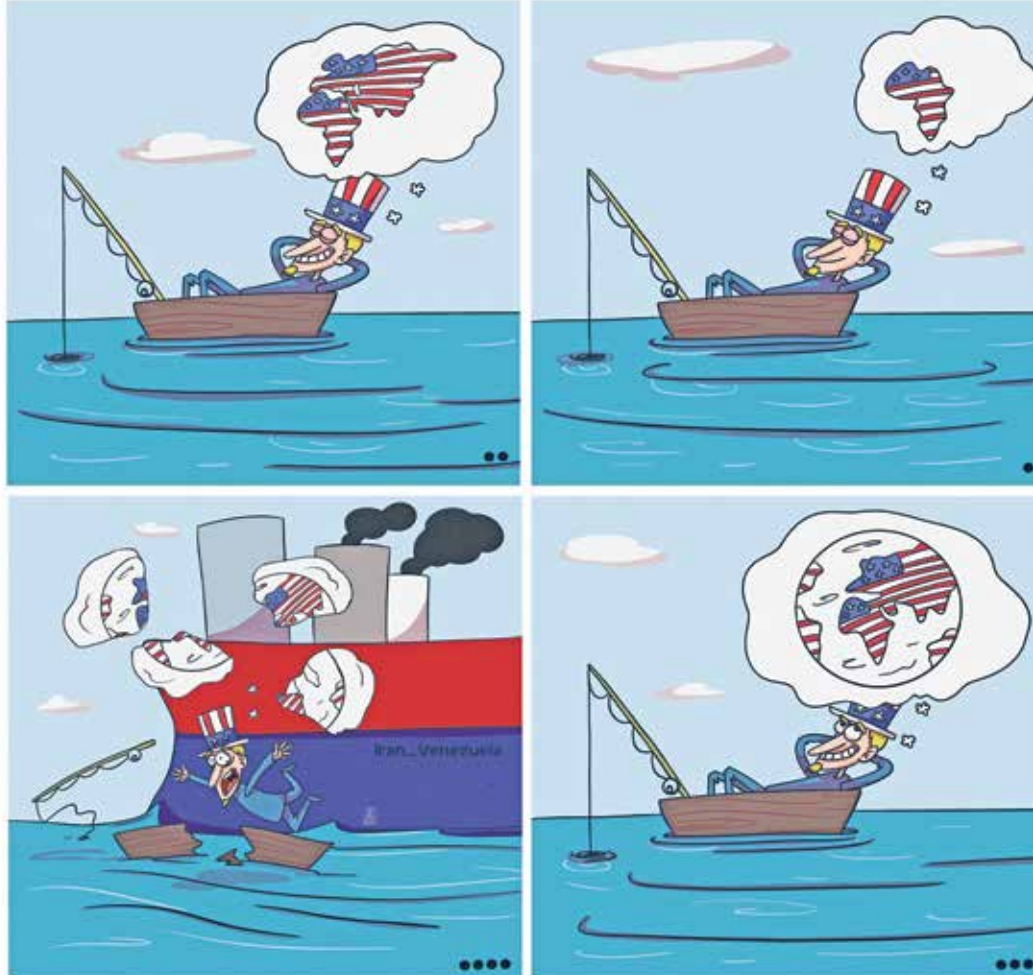
می‌گویند: با توجه به افزایش جمعیت در سال‌های آینده، ستاد تنظیم بازار، سامانه توزیع و صادرات نوزاد راه‌اندازی کرده که به چین و هند و سایر کشورهایی که دچار قحطی جمعیت شده‌اند، کمک کند.

می‌گویند: جمعی از زیادبخرها و همیشه تلب در فروشگاه‌ها، نفس نفس زنان، طی نامه‌ای به اداره تعزیرات خواستار رسیدگی به تخلفات فروشگاه‌ها، اعم از ندادن جنس به آنها بیش از یکی و قایم کردن و احتکار آن در قفسه‌ها شدند.

می‌گویند: فلسفه اینکه عده‌ای سنگ‌نگه‌دار، هنگامی که سگ‌شان روی سر سره پای بچه‌ای را گاز می‌گیرد، دخالت نمی‌کنند این است که به جمله «بچه زیر ۷ سال را نباید دعوا کرد و باید آزادش گذاشت»، اعتقاد دارند.

مرگ تدریجی یک رؤیا

دومین کشتی نفتکش ساخت ایران به ونزوئلا تحویل داده شد



چگونه زندگی‌مان را تشکیل دهیم؟



امیرحسین محمدپور

برای همه زوج‌های جوان زندگی از زمان رفتن زیر یک سقف و داشتن آرزوهای مشترک آغاز نمی‌شود. نخبر! از قبلیش هم که به قول بزرگترها دوران خوش‌خوشان و نامزدبازی بود هم شروع نمی‌شود. بله خب؛ البته که قبول داریم از همان دوران آشنایی و نامزدی و دیگر دوران‌ها، پایه‌های اساسی زندگی ساخته می‌شود (پایه گذاشته می‌شود یا ساخته؟)؛ اما بازهم رجوع کنیم به همان قدیمی‌ها که همین‌طور ضرب‌المثل بوده که مثل نقل و نبات می‌ساختند و وارد محاورات روزمره خود می‌کردند. قدیمی‌ها گفته‌اند اولاً «زندگی خرج داره» دوماً «فکر نون باش که خرزبه آبه» سوماً «تا نباشد چیزیکی...» نه! این یکی ربطی به موضوع ندارد!

خلاصه از آنجا که زندگی بعد از درآوردن تبه خوراکی‌هایی که خانواده عروس‌خانم تهیه کرده و آغاز اولین خریدهای اساسی، آن روی دیگرش یا بهتر است بگوییم خود واقعی‌اش را نشان می‌دهد و از همانجایی که قدیمی‌ها خوب چیزهایی گفته‌اند، برای زوج‌های جوان زندگی از وقتی شروع شد که با چندین تار تار تلاش برای ثبت نام وام ازدواج، طرح ملی مسکن، قرعه‌کشی خودرو، جدا کردن یارانه از حساب پدرها و مهم‌تر از همه پیدا کردن خانه جدید برای اسباب‌کشی (چون تا زوج جوان به خودش بیاورد یک سال گذشته و موعد تخلیه خانه رسیده)، راه به جایی نبرند و به نتیجه‌ای نرسند!

البته در این میان حتماً باید قدر دان بانک‌های محترمی بود که با وام‌های مختلف برای تهیه مخارج پیش از تشکیل زندگی، حالا منتظر عقب افتادن یکی از اقساط وام هستند تا آبروی داشته و نداشته زوج جوان را پیش کس و ناکس ببرند. حقیقتاً سیستم بانکی کشور به تنهایی نقش بسزایی در تشکیل هرچه موفق‌تر زندگی جوانان برعهده دارند. به هر حال همان‌طور که می‌دانید، انسان در «کنده» آفریده شده و تمامی سیستم‌های اداری جهت اثبات این حقیقت بی‌وقفه تلاش می‌کنند.

حالا در این میان موضوع فرزندآوری و فرزندپروری، همه روزه از ساعت هشت صبح الی یازده شب از جانب خانواده‌های طرفین، دوستان، آشنایان، همکاران، مسافرن مترو، راننده‌های خطوط کرج - گوهردشت مطرح می‌شود و همان‌طور که حتماً در پرونده این هفته خوانده‌اید، زوج جوانی که اتفاقاً رؤیای پدر و مادر شدن در سر دارند، با اتفاقاتی روبه‌رو می‌شوند که به تشکیل زندگی واقعی (همان‌طور که تعریفش رفت) و راستی آزمایی انگیزه‌شان برای فرزندآوری و جوانی جمعیت منجر می‌شود! پس از همین تریبون از طرف همه زوج‌های جوان اعلام می‌کنیم: ما می‌خواهیم؛ شرایطش نیست.